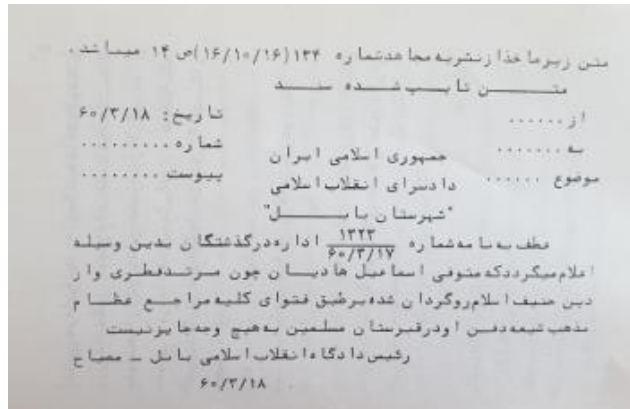


به نقل از: ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۶۴ ، پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

## در باره زندگی رفیق شهید اسماعیل هادیان



چریک فدایی خلق، رفیق شهید اسماعیل هادیان در سال ۱۳۲۷ در شهر بابل و در یک خانوادهٔ زحمتکش، دیده به جهان گشود. برغم تنگدستی خانواده در حالی که تلاش می کرد، تا جایی که می تواند از سنگینی بار تأمین زندگی خانواده که بر دوش پدرش بود، بکاهد، اما از تحصیل باز نماند و با وجود همه رنج ها و مشقت ها، موفق شد پس از گرفتن دیپلم در دانشکده علم و صنعت به تحصیلات خود ادامه دهد و در رشته مهندسی ساختمان از آن دانشکده فارغ التحصیل شود.

رفیق هادیان که خود در خانواده تنگدستی بزرگ شده و درد ها و رنج های توده های ستمدیده را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود، با همه وجود از نظم ظالمانه حاکم نفرت داشت. به همین دلیل هم یعنی به خاطر شرایط مادی زندگی خود و لمس درد و رنج کارگران و زحمتکشانش، خیلی زود جذب اندیشه های کمونیستی شد و تلاش نمود تا راه رهائی از وضعیت نکتباری که نظام سرمایه داری شکل داده را پیدا نماید. جو سیاسی دانشکده، در کنار فضای سیاسی شهر بابل - که یکی از شهر هائی بود که با رستاخیز سپاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه، جوانان بسیاری از این شهر به هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برخاستند- به وی کمک نمود تا خیلی زود به هواداری از چریکهای فدائی خلق ایران برخیزد. به همین دلیل هم در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک شاه دستگیر و قریب دو سال را در چنگال شکنجه گران ساواک در زندان به سر برد. پس از آزادی از زندان، که با رشد و گسترش مبارزات توده ها علیه رژیم شاه توأم شد، رفیق اسماعیل هادیان به امواج انقلاب سال های ۵۶-۵۷ پیوست و در جریان انقلاب هر چه بیشتر آبدیده شد.

وی که در این زمان، با همه امکانات خود از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پشتیبانی می کرد، با دیدن مواضع و تحلیل های این سازمان که با تئوری های اولیه چریکهای فدایی خلق در تباین بود؛ و به خصوص با مشاهدهٔ مماشات این جریان با رژیم جمهوری اسلامی، با اتکاء به آگاهی انقلابی خویش به اصالت رهبری سازمان شک نمود و به محض این که معتقدین به تئوری مبارزه مسلحانه، صفوف خود را از این سازمان جدا نمودند، با همه وجود به این جریان پیوست و با شور وصف ناشدنی به تقویت آن و گسترش صفوفش در بین

کارگران و ستمدیدگان پرداخت. رفیق اسماعیل در شرایطی به دفاع از تئوری‌ها و سنت‌های رزمندگان دهه ۵۰- که با همه وجود به آنها باور داشت- برخاست و به چریک‌های فدایی خلق ایران پیوست که سازمان فدایی، زیر سلطهٔ اپورتونیست‌ها از قدرت و اتوریته زیادی برخوردار بود و ایستادن و اتخاذ موضع انقلابی در مقابل آن به شهادت انقلابی و آگاهی عمیق از مسائل انقلاب نیاز داشت و برآستی که رفیق اسماعیل هادیان از این خصوصیات به وفور برخوردار بود. او بدون هراس از تبلیغات و ابعاد وسیع نیروهای سازمانی که تحت رهبری اپورتونیست‌ها قرار گرفته بود، از کم بودن و تنها ماندن نهراسید و به قول خودش "آستین"‌ها را بالا زد و شب و روز تلاش نمود تا صفوف جریان انقلابی جدید را گسترش داده و آن را آمادهٔ تاثیر گذاری هر چه بیشتر بر روند رویدادهای جاری کشور و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان نماید.

در جریان همین فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر بود که رفیق اسماعیل سرانجام در تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۰ در یکی از پایگاه‌های سازمان در شهر ساری توسط نیروهای دشمن، دستگیر و سپس زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در این مصاف بود که دلاورانه به شهادت رسید. خانه‌ای که رفیق در آن دستگیر شد، چاپخانه چریک‌های فدایی خلق ایران بود. او شب هنگام وقتی می‌خواست وارد خانه شود، در کمین مزدورانی افتاد که از پیش در آنجا دام گسترده بودند. پس از دستگیری با این که رفیق اطلاعات و رابطه‌های زیادی داشت ولی با مقاومت قهرمانانه‌اش در زیر شکنجه‌های دژخیمان رژیم، اسرار سازمان را حفظ، دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام و به تعهد انقلابی خود در این زمینه در مقابل خلق خویش عمل نمود.

پس از جان باختن این رفیق، خانواده‌اش موفق شدند تا جسد وی را از رژیم بگیرند. پس از تحویل جسد، آثار شکنجه‌های وحشیانه بروی جسد بگونه‌ای بود که شکنجه‌ها و جنایات مزدوران جمهوری اسلامی قابل انکار نبود و پخش خبر آن در سطح شهرهای بابل و ساری مایه تنفر و انزجار هر چه بیشتر مردم این شهرها از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی شده بود. مقامات رژیم که با مشاهدهٔ عکس‌العمل مردم می‌دیدند که رسوایی بزرگی برایشان به بار آمده، با صحنه‌سازی‌ها و خیمه‌شب‌بازی‌های تلویزیونی در صدد تبرئه خود برآمدند و ادعا کردند که رفیق اسماعیل هادیان "خودکشی" کرده است؛ ولی رسوائی رژیم بیش از آن بود که مردم این اراجیف را باور کنند.

با این وصف، شهادت رفیق هادیان همچون زندگی مبارزانه‌اش، در خدمت رشد آگاهی خلق قرار گرفت. جمعیت زیادی که در مراسم تشییع جنازه او شرکت کرده بودند در حالی که کینه و خشمی فراوان نسبت به رژیم منفور جمهوری اسلامی در دل‌هایشان انباشته شده بود با گرامیداشت خاطرۀ رفیق اسماعیل هادیان، احترام و عشق خود به فرزند انقلابی‌شان را به نمایش گذاردند. اما رژیم از دفن جسد رفیق در گورستان عمومی شهر ممانعت به عمل آورد؛ همچنان که بعد‌ها در مورد خیلی از انقلابیون و آزادیخواهان آشکارا چنین کرد. اما چریک فدایی خلق، رفیق اسماعیل هادیان، برغم همه این تشبثات، در قلب کارگران و ستمدیدگان جا گرفت و یادش الهام بخش انقلابیون دیگری شد که با باور به آرمان‌های وی مبنی بر ضرورت نابودی نظام سرمایه‌داری جهت رسیدن به آزادی و سوسیالیسم به صحنهٔ مبارزه با دشمنان مردم وارد شدند.

**یاد رفیق اسماعیل هادیان جاودان و راهش پر رهرو باد!**